

سنجش تسهیل کننده‌های توانمندسازی روستاییان در ارتقاء کیفیت زندگی با رویکرد توسعه پایدار

(مطالعه موردی: دهستان دامنگوه شهرستان دامغان)

ناصر شفیعی ثابت^{۱*}، مهناز رهبری^۲

^۱استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی تهران

^۲دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۱۶

چکیده:

هدف از این پژوهش، ارزیابی مولفه‌های ارتقادهنده کیفیت زندگی و تاثیر آن بر توسعه پایدار در دهستان دامنگوه شهرستان دامغان می باشد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از شیوه پیمایشی، تعداد ۷ مؤلفه تسهیل کننده توانمندی روستاییان برای ارتقاء کیفیت زندگی و تعداد ۴ مؤلفه اثرپذیر توسعه پایدار را مورد سنجش قرار داد. یافته‌های حاصل از رگرسیون نشان داد مؤلفه‌های شناخت و آگاهی، ایجاد فرصت‌های برابر، اعتماد و همدلی، و مشارکت، تاثیر آماری معناداری بر توسعه پایدار دارند. حرکت در راستای توانمندسازی جامعه محلی و نهادهای مردمی روستایی، بسترسازی قانونی و اجتماعی مشارکت حداکثری روستاییان، تقویت آموزش و توسعه منابع انسانی، ارتقاء عرصه‌های شناختی و مهارتی روستاییان و تقویت مسئولیت پذیری و پاسخگویی کارآمد و موثر از جمله پیشنهادات این پژوهش است.

کلید واژه‌ها: توانمندسازی، کیفیت زندگی، توسعه پایدار، دهستان دامنگوه، دامغان

مقدمه

یکی از مسائل اجتماعی و سیاسی بسیار مهم در جامعه امروز با توجه به اتمام ظرفیت های محیط طبیعی، چگونگی بهبود و ارتقاء کیفیت محیط زندگی بشر و همچنین سازگاری و انطباق درازمدت بین سرمایه‌های انسانی، طبیعی و اقتصادی است (Pykh, 2008: 854). در ایران توجه به روستا و توسعه روستایی در قالب نظام برنامه ریزی به عنوان بخشی از فرآیند توسعه در مقیاس ملی و نیز به منظور دستیابی به هدف والای توسعه یعنی افزایش کیفیت زندگی روستاییان از چند دهه قبل از انقلاب یعنی از دهه ۱۳۲۰ به بعد به عنوان نوعی ضرورت مطرح بوده و بخشی از سیاست های توسعه ای را تشکیل داده است. اما آنچه که در نظام برنامه ریزی توسعه روستایی ایران مشاهده می شود، رویکردهای یک سویه نگر، مکانیکی و فن محور (Quaghebrur & et al, 2004: 162)، نبود سیاست ها و راهبردهای مناسب آموزشی، نبود نظام و الگوهای بهینه آگاهی بخشی به روستاییان و نظام ترویج و اطلاع رسانی، فقدان مشارکت مردمی در ابعاد مربوط به زندگی خود، عدم اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری (Janssens, 2009: 975)، نبود فرصت های برابر، عدم شفاف سازی تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های توسعه ای و خلاء جایگاه روستاییان به عنوان مهمترین ذینفعان و متعاقبا تحقق نیافتن توسعه مطلوب و عدم رضایتمندی از کیفیت زندگی در محیط های روستایی از طریق نظام برنامه ریزی است (فاضل نیا و افتخاری، ۱۳۸۴: ص ۱۱۴). به دنبال ناکامی های مذکور، در طول زمان، کارگزاران توسعه ملی و بین المللی متقاعد شده اند که راهبردهای توسعه روستایی باید به دلیل پیچیدگی عوامل تعیین کننده فرآیند توسعه، جامعتر شوند. بنابراین هم اکنون رویکردهای توسعه روستایی همه جانبه و عموما ویژگی های کیفی توسعه که به دنبال نفوذ پارادایم های جدید توسعه همانند پایداری، مشارکت خودجوش و آگاهانه، خودآگاهی، آگاهی های محیطی، ظرفیت سازی و توانمندسازی قوت گرفته و رواج یافته است، در کانون توجه قرار گرفته است (Mahmud et al, 2011: 612). در این میان نظریه و رویکرد توانمندسازی برخاسته از طرح موضوعاتی چون توسعه انسانی و از طریق مفاهیمی نظیر انتخاب، قدرت، کنترل بر زندگی خود و منابع (Johansen & Chandler, 2015: 14)، توانایی تصمیم گیری و مهارت های زندگی، و به طور کلی از طریق اثرگذاری بر آنچه در زندگی فردی و خانوادگی اهمیت دارد، تعریف می شود و نتیجه آن بهبود کیفیت زندگی است (Pacion, 2003: 19). به استناد همین نگرش، بهبود کیفیت محیط زندگی روستاییان و متعاقبا دستیابی به توسعه پایدار، تا حدود زیادی به چگونگی توسعه و بهبود منابع انسانی آنها که آن نیز در کیفیت دانش (شناخت و آگاهی)، آموزش و اطلاع رسانی (ترویجی-اطلاع رسانی)، ارتقاء حس مسئولیت پذیری روستاییان نسبت به ابعاد مختلف محیطی، اجتماعی و اقتصادی زندگی خود، مهارت ها، اعتماد به نفس و همدلی بین روستاییان، ظرفیت ها و توانایی های آنها در رویارویی خردمندانه با مسائل تجلی پیدا می کند، بستگی دارد (Wilkinson and Pickett, 2009: 31). با توجه به مباحث بیان شده در ارتباط با ارتقاء کیفیت محیط زندگی، چالش عمده ای که گریبانگیر مناطق روستایی کشور ایران می باشد، مسئله فقر و پایین بودن کیفیت محیط زندگی روستاییان، بیشتر به لحاظ ادراکات ذهنی و عدم رضایتمندی درونی از شرایط زندگی آنها می باشد. بر مبنای چنین ضرورتی، مطالعه حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال مهم است که اثرگذاری توانمندسازی روستاییان در بهبود و ارتقاء کیفیت محیط زندگی و در نتیجه پایداری محیطی-اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیرساختی سکونتگاه های روستایی دهستان دامنکوه شهرستان دامغان تا چه اندازه است و از چه ویژگی هایی برخوردار است؟

۲- مبانی نظری تبیین کننده :

مطالعه و بررسی روابط پیچیده بین ویژگی های محیط های شهری و یا روستایی در مقیاس های متفاوت و سطوح رضایت ساکنین شهر و یا روستا با در نظر گرفتن قلمروهای کیفیت زندگی، بدون داشتن یک چارچوب نظری مطلوب، کار بسیار مشکلی خواهد بود (Marans, 2012: 11). تعیین چارچوب مناسب جهت ارزیابی کیفیت محیط زندگی، چارچوبی است که واکنش های سیاسی مناسب جهت پیشبرد و بهبود یکپارچگی اصول مسلم توسعه پایدار (ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) و در ارتباط با سبک زندگی افراد را مورد بررسی قرار می دهد (Fahy & Cinneide, 2008: 368). امروزه قدم های اصلی برنامه ریزی همه جانبه در زمینه توسعه پایدار در مناطق روستایی در جهت بهبود کیفیت محیط زندگی ساکنان روستایی می باشد چرا که کیفیت زندگی با شاخصه های توسعه پایدار در هم آمیخته است و در مسیر بهبود کیفیت زندگی حرکت می کند (Smith, 2008: 215). حرکت به سمت توسعه پایدار نیازمند یکپارچگی اصول اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در همه سطوح از جهانی تا محلی است و سیاست ها و استراتژی های تعیین شده جهت دستیابی به توسعه پایدار در سطح محلی به ویژه در جوامع روستایی به طور قوی بر بحث کیفیت زندگی و ملاحظات کیفیت زندگی تاثیر می گذارد (Fahy & Cinneide, 2008: 366). در مطالعات جغرافیایی از کیفیت زندگی، تاکید بر روابط بین انسان و محیط های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و ... و همچنین ادراک انسان از این محیط ها می باشد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۲۶۸). رابطه میان انسان و محیط یک رابطه دو طرفه است که از طریق ادراک صورت می گیرد. اگر انسان یا ادراک کننده فضا به عنوان ذهنیت و محیط اطراف و ادراک شونده فضا به عنوان عینیت در نظر گرفته شود، رابطه عینیت و ذهنیت یک رابطه دیالکتیک است. محیط ذهنی انسان همواره با انواع محیط ها اعم از طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، ذهنی و غیره، رابطه ای دیالکتیک و رفت و برگشتی دارد. عواملی که بر روی ادراک انسان از محیط تاثیر گذارند عبارتند از: محیط طبیعی، محیط اجتماعی، محیط اقتصادی، محیط فرهنگی، محیط انسان ساخت و معماری، مسائل وراثتی و ژنتیکی و در نهایت محیط ذهنی انسان که بر روی ذهنیت انسان تاثیر گذاشته و ذهنیت انسان را شکل می دهد (Ching, 2010: 12). محیط های عینی و همچنین ادراک انسان (ذهنی) از این محیط ها در جهت بهبود کیفیت محیط زندگی در یک مکان و یا برای اشخاص و گروه های خاص، همواره کانون اصلی توجه برنامه ریزان بوده است (Chen et al, 2016, 2). در واقع بهبود کیفیت محیط زندگی در هر جامعه ای، یکی از مهمترین اهداف سیاست های عمومی آن جامعه است.

کیفیت محیط زندگی، مفهومی ذهنی و چند بعدی است که آن را می توان ادراک فرد از موقعیت خود در زندگی با توجه به زمینه های فرهنگی و ارزشی، در ارتباط با اهداف، انتظارات و استانداردها دانست (Zhao & et al, 2009: 184). تجربیات به دست آمده جهانی و دستاوردهای جدید علمی نشان می دهد برای برنامه ریزی توسعه روستایی موفقیت آمیز و بالطبع دستیابی به رضایتمندی ساکنین روستا از شرایط ادراک شده عینی و ذهنی محیط زندگی خود، تحرک بخشیدن به منابع محلی و دستیابی به مشارکت حداکثری مردم روستایی، توانمندسازی روستاییان و سپردن قدرت تصمیم گیری، مسئولیت پذیری و درگیر شدن روستاییان در سرنوشت خویش، جهت ارتقای کیفیت زندگی به عنوان یکی از اجزای بنیادین توسعه پایدار که بر توزیع عادلانه رفاه و تسهیلات زندگی و

حفظ محیط زیست در میان روستاییان تاکید دارد، امری اجتناب ناپذیر است (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۳). بر اساس آخرین تعاریف ارائه شده از توسعه، توسعه روستایی فرآیند افزایش انتخاب مردم، گسترش مشارکت دموکراتیک، تواناسازی مردم برای تصمیم گیری در شکلهای فضای زیست خویش، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت ها و ظرفیت های بالقوه، تواناسازی همه مردم به ویژه زنان، فقرا و کشاورزان خرده پا برای ساماندهی فضای زیست خود و تواناسازی برای انجام کار گروهی است به این اعتبار، در توسعه پایدار روستایی، تاکید اساسی بر وسیع تر کردن شقوق انتخابی پیش روی مردم، آشکار کردن چیزهای نهفته درون افراد و یا جوامع است که به طور عمده در قالب مکانیسم های ظرفیت سازی و توانمندسازی عینیت پیدا می کنند (Costanza, 2007: 268). در ساده ترین تعریف توانمندسازی، می توان آن را فرایندی دانست که طی آن، افراد، گروه ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی و شرایط حاکم بر آن آگاهی یافته و برای تغییر شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب و در جهت بهتر کردن کیفیت محیط زندگی خود با شناسایی نیازها و دارایی های خود، برنامه ریزی مناسب، آگاهانه و سازمان یافته انجام می دهند. (Lopez & Pastor, 2015: 1883). بر این اساس، مردم و جامعه محلی قدرتمند می شوند و این قدرت، نوعی تشریک مساعی با دیگران برای تغییر موثر و اثربخش است (Wang, 2010, 86)، بنابراین مردم نواحی روستایی، می توانند در تعامل با تسهیل گران در جهت حل مشکلات مناطق خود بر اعتماد به نفس و عزت نفس خود بیفزایند و به یک زندگی شرافتمندانه دست یابند (Cherayi & Jose, 2016, 244). در این راستا، توانمند کردن روستاییان، نیازمند بسترگشایی از جانب مدیریت و برنامه ریزی روستایی است. تامین خدمات، تامین حق مالکیت، اعتمادسازی، حرکت جهت تشکیل سرمایه انسانی، آگاه سازی، آموزش عمومی، نهادسازی و ایفای نقش تسهیل کنندگی و حمایتی بخش دولتی و عمومی، مهم است (Epley & Menon, 2008, 281). توسعه واقعی در درجه اول نه تنها در زمینه اقتصاد و اهداف کمی-تولیدی تاثیرگذار است بلکه در زمینه توسعه مردم، بالا بردن منزلت آنها به عنوان انسان و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی نقش دارد (Monkman et al, 2007, 453). نتیجه اینکه هر راهبردی که در تعقیب تحقق بخشیدن به اهداف توسعه پایدار روستایی و سبک و کیفیت بهتر زندگی به کار گرفته شود، الزاما باید بر ارتقای توانایی ها، آگاهی ها، مهارت ها، آرمان ها، اعتماد به نفس افراد و نیز بر توان آنها در کنترل خردمندانانه و بیشتر بر محیط خویش تاکید نماید (فاضل نیا و افتخاری، ۱۳۸۴: ص ۱۱۶). در همین راستا، دو مدل معروف برای توضیح ارتباط بین کیفیت زندگی و دیگر متغیرها از جمله میزان توسعه یافتگی مطرح شده است: مدل از بالا به پایین بر اساس این فرض است که کیفیت زندگی ویژگی ثابتی است که باعث خروجی نتیجه های معینی در زندگی افراد می شود و مدل از پایین به بالا که متکی است به این قضیه که متغیرهای خاصی کیفیت زندگی افراد را تحت تاثیر قرار می دهند. یکی از انتقاداتی که بر تعیین شاخص های پایداری کیفیت زندگی وارد می شود، رویکرد بالا به پایین (کارشناس محور) در ساخت شاخص های پایداری می باشد که در عین حال تاکید محققین و دانشمندان بر رویکرد پایین به بالا (جامعه محور) می باشد که بر اهمیت درک بطن جامعه محلی و نیازهای خاص آنها تاکید دارد که به جوامع محلی این اجازه را می دهد که در انتخاب، جمع آوری و بازبینی شاخص های پایداری در امر کیفیت زندگی مشارکت داشته باشند (Pacione, 2003: 20, Mackinnon, 2002, 308). در مجموع می توان گفت توانمندسازی با توسعه اقتصادی و رفاه فرد از فقر و محرومیت در ابعاد اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی، ایجاد و توسعه کارآفرینی در جوامع روستایی،

ایجاد رفاه اجتماعی و اقتصادی و برقراری عدالت از طریق فراهم سازی مشارکت همه جانبه روستاییان در امور مربوط به زندگی خود، ضرورتی برای دستیابی به توسعه روستایی و به طور کل ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان را به دنبال دارد (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۵).

۳-پیشینه تحقیق:

آنچه که تاکنون در ارتباط با مطالعات کیفیت زندگی جوامع شهری و روستایی، به ویژه جوامع روستایی به آن پرداخته شده است، بیشتر در دو بعد ارزیابی سطح کیفیت زندگی با استفاده از مولفه های ذهنی و به ویژه عینی و همچنین تحقیق و تدوین نوع شاخص ها و مولفه های مورد استفاده در سنجش و ارزیابی سطح کیفیت زندگی جوامع روستایی می باشد، در همین ارتباط، پیسورایس* (۲۰۱۳) بر ترکیب و یکپارچه نگری در ابعاد رفاه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی در ارتباط با کیفیت زندگی تاکید دارد. فاهی و سینیده[†] (۲۰۰۸) در پژوهش خود به تدوین معیارها در بحث کیفیت زندگی و چگونگی عملیاتی کردن این ساختار به عنوان یکی از عوامل بسیار مهم در بحث توسعه پایدار پرداخته است. این پژوهش به دنبال اجرا و توسعه یک چارچوب عملیاتی در جهت ارزیابی کیفیت زندگی در محیط های شهری و استفاده از نتایج آن در جهت اتخاذ قوانین و اجرای سیاست های متناسب در جهت ارتقاء سطح کیفیت زندگی شهروندان می باشد. عبدالمحیط[‡] (۲۰۱۴) به بررسی جهت گیری آتی مطالعات کیفیت زندگی در مالزی پرداخته است و بیان می کند در این کشور مطالعات کیفیت زندگی باید به سمت تفاوت های فرهنگی بین منطقه ای و یا فرامنطقه ای حرکت کند و پیشنهاداتی مبنی بر سیاست گذاری و اتخاذ قوانین بر مبنای ارزیابی های صورت گرفته در ارتباط با کیفیت زندگی ارائه می دهد. محمود و همکاران[§] (۲۰۱۶) در پژوهش خود به بررسی تاثیر مثبت آموزش و خدمات اجتماعی در بین جوامع فقیر و همچنین امکانات مراقبت بهداشتی در ارتقاء کیفیت زندگی افراد پرداخته است و پیشنهاد بر سمت و سو یافتن مطالعات کیفیت زندگی بر اساس مولفه های آموزشی و فرهنگی دارد. با توجه به پیشینه تحقیق در ارتباط با کیفیت زندگی جوامع روستایی در سطح بین المللی، رویکردی که در این پژوهش مورد تاکید است و به همین جهت هم، از دیگر مطالعات و بررسی های کیفیت زندگی، متمایز می باشد، توجه به عوامل و شاخص های توانمندسازی در راستای بهبود کیفیت زندگی و بالطبع بر توسعه یافتگی فضاها روستایی می باشد که در کمتر پژوهشی به آن پرداخته شده است. در ادامه به تعدادی دیگر از پژوهش های صورت گرفته در قالب جدول اشاره شده است (جدول ۱).

* -Pissourios

† -Fahy & Cinneide

‡ -Abdul Mohit

§ -Mahmud

جدول ۱: مطالعات صورت گرفته در راستای تحقیق

عنوان	مؤلفین	سال	محتوا/نتایج
کیفیت زندگی شهری و مطالعات پایداری محیط: پیوند چشم اندازها	مارانس*	۲۰۱۵	این مقاله با تعریف عملیاتی کیفیت زندگی و کیفیت زندگی شهری و سپس بازبینی و مرور مطالعات کیفیت زندگی شهری در تعدادی از شهرهای جهان به اندازه گیری و تعیین مدل های مفهومی جهت ارزیابی روابط بین متغیرها و سنجه های کیفیت زندگی می پردازد و در نهایت، شاخص پایداری را به عنوان ابزاری در جهت توسعه شاخص رفاه شهری در بین ساکنین نواحی شهری پیشنهاد می دهد.
مطالعه میان رشته ای در ارتباط با شاخص ها: بررسی مقایسه ای شاخص های کیفیت زندگی، اقتصاد کلان، محیط زیست، رفاه و توسعه پایدار	پیسوریس†	۲۰۱۳	این مقاله شاخص های کلی مربوط به کیفیت زندگی، شاخص های پایداری و رفاه، اکولوژیکی و اقتصاد کلان را به منظور کشف تفاوت ها و تشابهات به لحاظ چارچوب های نظری و عملیاتی مورد بررسی قرار می دهد. پیشنهاد و نتایج حاصل از این پژوهش، بر ترکیب شاخص های پایداری (اقتصاد کلان، رفاه اجتماعی و زیست محیطی) و همچنین شناخت بیشتر این رابطه و پیوند بین شاخص های پایداری در امر کیفیت زندگی می باشد.
ارزیابی کیفیت زندگی در سراسر کشورها با استفاده از شاخص ها و رویکردهای چندکارکردی	رحمان‡ و همکاران	۲۰۱۱	هدف این مقاله، ارزیابی و مقایسه شاخص های کیفیت زندگی در ۴۳ کشور جهان در سال ۱۹۹۱ و همچنین کاهش ناسازگاری ها و وزن دهی های قراردادی و دلخواهی در مورد تعیین شاخص ها و عوامل مؤثر در کیفیت زندگی می باشد که نتایج، حاکی از عدم تفاوت اصولی بین کشورها به لحاظ نقش ها، شاخص ها و عوامل تعیین کننده کیفیت زندگی می باشد.
توانمندسازی گامی اساسی در جهت نیل به توسعه روستایی (شهرستان مشکین شهر)	وکیل حیدری ساربان	۱۳۹۱	نتایج نشان داده است توانمند سازی در ابعاد خودتعیینی، شایستگی، معنی داری، تاثیر و اعتماد در توسعه روستایی شهرستان مشکین شهر تاثیرگذار بوده است.
توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینه ای مؤثر بر آن (مناطق روستایی شهرستان قروه)	حسین میرزایی، غلامرضا غفاری، علیرضا کریمی	۱۳۸۹	یافته های این تحقیق نشان داده است به جز متغیر بعد خانوار که با هیچ یک از ابعاد توانمندسازی مرتبط نیست، سایر متغیرهای زمینه ای، تاثیراتی متفاوت بر ابعاد مختلف توانمندی نهاده اند. در ارتباط با صنعتی شدن منطقه، اجرای طرح مورد نظر، تفاوتی را در هیچ یک از ابعاد توانمندسازی روستاییان به وجود نیاورده است. دلیل این امر، کمترین میزان استفاده از نیروی کار روستایی در صنعت مورد مطالعه و عدم تعامل کارکنان صنعت با روستاییان منطقه بوده است.

۴- معرفی جغرافیایی منطقه مورد مطالعه:

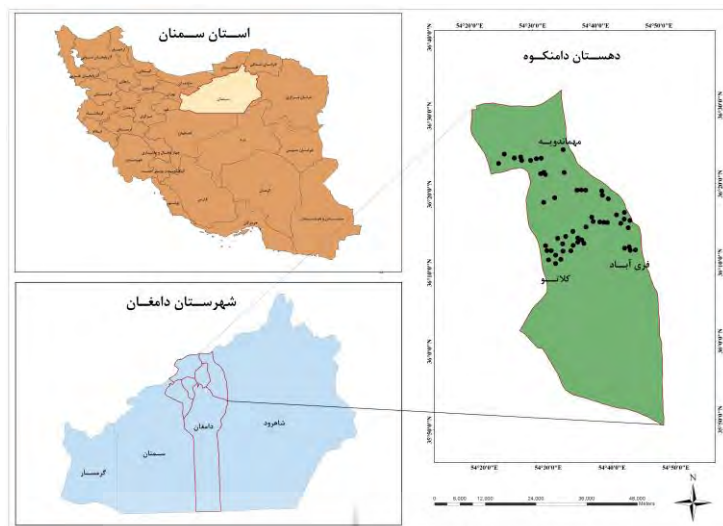
شهرستان دامغان در سال ۱۳۹۰ با مساحت ۱۴۰۳۳ کیلومتر مربع با برآورد جمعیت ۸۶۹۰۸ نفر از طرف شمال به استان های گلستان و مازندران و از طرف جنوب به استان اصفهان و از طرف شرق به شهرستان شاهرود و از غرب به شهرستان های سمنان و مهدیشهر منتهی می شود. این شهرستان در پایان سال ۱۳۹۰، دارای ۱۴۰۳۳ کیلومتر مربع

* - Marans

† - Pissourios

‡ -Rahman

مساحت، ۲ بخش، ۴ شهر و ۶ دهستان می باشد. مساحت دهستان دامنگوه بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ استان سمنان، ۱۷۴۵ کیلومتر مربع می باشد و جمعیت دهستان در سال ۱۳۹۰، ۴۰۴۵ نفر و دارای ۱۷ روستای دارای سکنه می باشد.



شکل(۱): موقعیت دهستان دامنگوه در شهرستان دامغان

۵- مواد و روش ها:

تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و به صورت کمی و میدانی انجام گرفته است. در پژوهش حاضر، جهت بررسی و تحلیل تسهیل کننده های توانمندسازی روستاییان (مولفه اثرگذار) در راستای ارتقاء کیفیت محیط زندگی و توسعه پایدار (مولفه اثرپذیر)، در بخش تسهیل کننده های توانمندسازی روستاییان از ۷ شاخص (آموزش و اطلاع رسانی (۱۴ گویه)، شناخت و آگاهی (۱۰ گویه)، شفافیت (۶ گویه)، ایجاد فرصت های برابر (۴ گویه)، اطمینان، اعتماد و همدلی (۱۳ گویه)، احساس تعلق و مسئولیت پذیری اجتماعی (۵ گویه) و مشارکت (۲۰ گویه)) (جدول ۲) و در بخش فرآیند ارتقاء کیفیت محیط زندگی روستاییان و توسعه پایدار از ۴ شاخص (پایداری (محیطی) - اکولوژیک (۱۳ گویه)، اقتصادی (۳۸ گویه)، اجتماعی (۲۳ گویه)، زیرساختی و کالبدی (۲۸ گویه)) (جدول ۳) استفاده شده است.

جدول(۲): شاخص های سنجش فرآیند ارتقاء کیفیت محیط زندگی و توسعه پایدار

تبیین شاخص ها و عملیاتی نمودن متغیرهای تسهیل کننده توانمندسازی روستاییان (مولفه اثرگذار)	
شاخص ها	گویه ها
آموزش و اطلاع رسانی	میزان سرمایه گذاری های نهادهای مسئول در ارتباط با استخدام نیروهای ترویج و کارگروه های آموزشی-میزان موفقیت دوره های آموزشی اجرا شده-میزان دسترسی روستاییان به فرصت های آموزشی روستا-میزان اطلاع رسانی به روستاییان جهت برگزاری برنامه های آموزشی-میزان مراجعه و شرکت روستاییان به مراکز آموزشی و ...
شناخت و آگاهی	میزان آگاهی روستاییان از مسائل اجتماعی، اقتصادی و محیطی-میزان آگاهی و توانایی روستاییان در افزایش بهره وری عوامل تولید کشاورزی و غیر کشاورزی-میزان آگاهی روستاییان از وضعیت سرمایه گذاری و توزیع اعتبارات در روستا-میزان آگاهی روستاییان از تصمیم گیری های نهادهای مسئول در زمینه فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و عمرانی و ...

شفافیت	میزان اطلاع رسانی و شفاف سازی نهادهای مسئول در زمینه آیین نامه ها و مقررات مربوط به طرح های توسعه روستایی- میزان اطلاع رسانی و شفاف سازی هدف از اجرای برنامه ها و طرح های مختلف توسعه ای در روستا-میزان عمل به وعده های نهادهای مسئول در زمان مقرر و ...
ایجاد فرصت های برابر	میزان استقلال تشکل های محلی در روستا از نهادهای دولتی-میزان توجه به منافع تمامی ذینفعان-برخوردراری تشکل های مردمی موجود از منابع اجتماعی-اقتصادی روستا-میزان فرصت های برابرشارکتی در بین زنان و مردان و ...
اطمینان، اعتماد و همدلی	میزان تفویض اختیار به مسئولین محلی-میزان توجه و اعتماد به تصمیم گیری های ساکنین روستا-میزان همکاری و صمیمیت بین نهادهای تصمیم گیرنده در روستا-میزان همدلی و دلسوزی مسئولین با مردم-میزان توجه و اهمیت مسئولین به روستاییان-میزان درک شرایط و مشکلات گروه های روستایی آسیب پذیر توسط نهادهای مسئول و ...
احساس تعلق و مسئولیت پذیری اجتماعی	احساس مسئولیت روستاییان در زمینه فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و عمرانی-میزان حس تعلق مکانی روستاییان به روستای محل سکونت خود-میزان احساس مسئولیت مسئولین محلی در زمینه مسائل مختلف روستا-میزان تمایل روستاییان به ماندن در روستا و ...
مشارکت	میزان پابندی مدیران و مسئولین در مشارکت دادن ساکنین در تصمیم گیری و اجرا-میزان اهمیت مشارکت ساکنین روستا در برنامه های توسعه عمرانی از نگاه مدیران سطوح بالا-میزان اهمیت تشکيل نهادهای مردمی در روستا از نگاه مدیران سطوح بالا-میزان ارتباط و مشارکت مدیران سطوح بالا با دهیاری و شورا-میزان مشارکت روستاییان در تصمیم گیری های اقتصادی-اجتماعی و عمرانی روستا-میزان تشکل های اجتماعی مردم نهاد و ...

جدول(۳): شاخص های سنجش فرآیند توسعه پایدار

تبیین شاخص ها و عملیاتی نمودن متغیرهای ارتقاء فرآیند توسعه پایدار(مؤلفه اثرپذیر)	
پایداری محیطی - اکولوژیک	میزان بهبود کمیت و کیفیت منابع تامین آب شرب روستا-میزان بهبود کمیت و کیفیت منابع تامین آب کشاورزی-میزان بهبود وضعیت بهره برداری از خاک در روستا-میزان بهبود وضعیت بهره برداری از مراتع در روستا-میزان بهبود تنوع زیستی در روستا-میزان بهبود سیستم جمع آوری و دفع زباله در روستا-میزان بهبود سیستم شبکه فاضلاب روستا و ...
پایداری اجتماعی	میزان افزایش جمعیت روستا-میزان ماندگاری و تمایل روستاییان به ماندن در روستا-میزان افزایش تعداد باسوادان زن و مرد در روستا-میزان افزایش سطح تحصیلات زن و مرد در روستا-میزان بهبود و گسترش فضاهای آموزشی در روستا-میزان بهبود و افزایش مصرف مواد غذایی پروتئینی در برنامه غذایی هفتگی روستاییان-میزان افزایش آگاهی روستاییان در زمینه مسائل مختلف اقتصادی و اجتماعی در روستا-میزان افزایش و تنوع مهارت ساکنین در زمینه های مختلف روستا-میزان افزایش آموزش مهارت های اقتصادی به روستاییان-میزان افزایش آگاهی و اطلاعات عمومی روستا و ...
پایداری اقتصادی	میزان افزایش تعداد شاغلان زن و مرد در روستا-میزان افزایش کل اشتغال کشاورزی و غیر کشاورزی در روستا-میزان افزایش تعداد کارگران در فعالیت های کشاورزی و غیر کشاورزی-میزان افزایش و گسترش تنوع فعالیت های کشاورزی و غیر کشاورزی در روستا-میزان افزایش عملکرد در هکتار محصولات باغی و زراعی در روستا-میزان افزایش اراضی کشاورزی آبی و دیم در روستا-میزان افزایش اراضی کشاورزی زراعی و باغی-میزان افزایش سهم ساکنان روستا در تولید محصولات دامی و طیور در روستا و ...
پایداری زیرساختی و کالبدی	میزان بهبود مسکن ساخته شده با مصالح بادوام-میزان بهبود سرانه زیربنای مسکونی-میزان بهبود دسترسی جمعیت به خدمات عمومی در روستا-میزان بهبود وضعیت راه و معابر روستا-میزان گسترش شبکه آبرسانی در روستا-میزان گسترش شبکه گازرسانی در روستا-میزان گسترش شبکه برق رسانی در روستا-میزان برخورداری خانوارهای روستایی از آب آشامیدنی تصفیه شده در روستا-میزان گسترش شبکه ارتباطی تلفن ثابت و همراه در روستا-میزان برخورداری روستاییان از نهادهای کشاورزی در روستا و ...

جامعه آماری در این پژوهش، روستاییان روستاهای دهستان دامنگوه شهرستان دامغان در کشور ایران می باشد. بر طبق تقسیمات کشوری شهرستان دامغان در سال ۱۳۹۰، دهستان دامنگوه دارای ۵۰ آبادی می باشد که ۱۸ آبادی،

دارای سکنه و ۳۲ آبادی خالی از سکنه می باشد. در ابتدا برای تعیین حجم روستاهای نمونه، بر اساس میزان جمعیت (روستاهای بالای ۵۰ خانوار) و همچنین میزان فعالیت های عمرانی انجام گرفته (به ویژه اجرای طرح هادی)، تعداد ۱۱ روستا، یعنی جمعیتی معادل ۱۲۸۷ خانوار، انتخاب شدند که بر اساس فرمول کوکران، ۲۹۶ خانوار به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند. علاوه بر این، بر اساس روش نمونه گیری طبقه ای احتمالی، به نسبت خانوار ۱۱ روستا، نمونه های تصادفی نسبت به حجم خانوار هر روستا انتخاب شدند و در آن ها پرسشگری بر اساس ابزار پرسشنامه به عمل آمد. داده های حاصل از پرسشنامه، پس از کدگذاری و ورود به نرم افزار SPSS مورد آزمون قرار گرفت و سپس از آزمون های آماری t تک نمونه ای، سنجه پیوند تائوبی کندال و در نهایت از آزمون رگرسیون چند متغیره جهت تحلیل مباحث استفاده گردید.

۶- یافته های پژوهش:

۶-۱- بررسی رابطه بین مولفه های تسهیل کننده توانمندسازی روستاییان و ارتقاء کیفیت محیط زندگی و توسعه پایدار:

همانطور که در جدول (۴) نشان داده است، جهت بررسی رابطه بین تسهیل کننده های توانمندسازی روستاییان و ارتقاء کیفیت محیط زندگی و توسعه پایدار، از ۷ مولفه اثرگذار (آموزش، شناخت، شفافیت، ایجاد فرصت های برابر، اعتماد و همدلی، احساس تعلق و مسئولیت پذیری و مشارکت) به عنوان تسهیل کننده های توانمندسازی و از ۴ مولفه اثرپذیر (پایداری محیطی-اکولوژیک، پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی و پایداری کالبدی و زیرساختی) به عنوان شاخص های میزان توسعه یافتگی استفاده شده است، بدین ترتیب که با استفاده از سنجه پیوند کندال تاوویی، رابطه هر کدام از تسهیل کننده های توانمندسازی با مولفه های کیفیت محیط زندگی و توسعه پایدار، مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

- مطابق جدول (۴) رابطه مولفه آموزش و اطلاع رسانی و مولفه های توسعه پایدار مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج حاصل از برقراری رابطه بین این مولفه با سطح توسعه یافتگی (محیطی-اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی) حکایت از معناداری رابطه (پایین تر از آلفا ۰/۰۵) بین مولفه آموزش و اطلاع رسانی با مولفه های پایداری محیطی-اکولوژیک، اقتصادی و کالبدی دارد، در عین حال که رابطه بین این مولفه و پایداری اجتماعی به دلیل بالاتر بودن میزان sig از آلفا ۰/۰۵، معنادار نمی باشد، به عبارت دیگر توجه به مقوله هایی همچون ارائه آموزش های لازم توسط نهادهای مسئول در زمینه مسائل مختلف روستا (بهبود روش های تولید کشاورزی و غیر کشاورزی، حفظ محیط زیست، کسب مهارت های اقتصادی، اجتماعی و ... میزان دسترسی روستاییان به فرصت های آموزشی موجود در روستا و ... موجب ارتقای سطح توسعه یافتگی ابعاد محیطی-اکولوژیک در سطح دهستان و همچنین در ابعاد اقتصادی و کالبدی همچون وضعیت عملکرد مشاغل کشاورزی و غیر کشاورزی، تنوع شغلی، بهبود و ارتقاء بنگاه های فعال اقتصادی و دسترسی روستاییان به بازارها و مراکز اقتصادی و ... شده است ولی مسئله ای که در این تحلیل آماری در

ارتباط با مقوله آموزش و اطلاع رسانی و توسعه یافتگی اجتماعی دیده می شود این است که گرچه مولفه آموزش و اطلاع رسانی در سطح دهستان به توسعه یافتگی محیطی-اکولوژیک، اقتصادی و کالبدی انجامیده است لیکن، این مولفه، نوع و جهت گیری برنامه های آموزشی ارائه شده به لحاظ ذهنی و ادراکی به گونه ای نبوده است که به آثار اجتماعی چون رضایتمندی و افزایش تمایل روستاییان به ماندن در روستا، افزایش میزان آگاهی و اطلاعات عمومی روستاییان و میزان توانمندسازی ساکنین در زمینه مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی و عمرانی، افزایش میزان تعاملات و مشارکت ساکنین، میزان انسجام و اعتماد اجتماعی و به طور کل به پایداری اجتماعی منجر شود.

- دومین مولفه اثرگذار مورد سنجش، مولفه شناخت و آگاهی می باشد که از ترکیب ۱۰ گویه حاصل شده است، نتیجه به دست آمده از سنجش پیوند کندال تاووبی، حکایت از وجود رابطه معنادار (پایین تر از آلفا ۰/۰۵) بین مولفه شناخت و آگاهی و پایداری محیطی-اکولوژیک، اجتماعی و کالبدی دارد ولی بین این مولفه و پایداری اقتصادی به دلیل بالاتر بودن میزان sig از آلفا ۰/۰۵، رابطه معناداری وجود ندارد، به عبارت دیگر عدم شناخت کافی روستاییان از مباحثی همچون مسائل اقتصادی روستای خود در فعالیت های مختلف کشاورزی و غیر کشاورزی و همچنین عوامل موثر بر افزایش بهره وری این نوع فعالیت ها که می تواند ناشی از ضعف برنامه های آموزشی و اطلاع رسانی توسط نیروهای ترویجی در سطح روستا باشد و ... منجر به توسعه اقتصادی در سطح دهستان نشده است.

- سومین مولفه اثرگذار مورد سنجش، عامل شفافیت می باشد که از ترکیب ۶ گویه به دست آمده است. نتایج به دست آمده، نشان داده است که بین این مولفه و پایداری محیطی-اکولوژیک و اقتصادی با توجه به پایین تر بودن میزان sig از آلفا ۰/۰۵، رابطه معناداری وجود دارد ولی رابطه معناداری بین این مولفه و پایداری اجتماعی و کالبدی به دلیل بالاتر بودن میزان sig از آلفا ۰/۰۵، وجود ندارد. از آنجایی که فعالیت عمده اقتصادی در سطح دهستان بر مبنای تولیدات کشاورزی به ویژه محصول پسته و در ارتباط بیشتر با محیط طبیعی و اقتصادی می باشد، اکثر برنامه های توسعه ای و تعاملات دولت و روستاییان در جریان شفاف سازی امور مربوط به تصمیم گیری، برنامه ریزی و اجرا، مربوط به این دو بعد می باشد، از این رو آنچه که در این روند مغفول مانده است، ابعاد اجتماعی و کالبدی محیط زندگی روستاییان در جریان تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های برنامه های توسعه ای و شفاف سازی این نوع برنامه ها برای روستاییان از جانب نهادهای مربوطه و متعاقبا دست نیافتن به توسعه اجتماعی و کالبدی در سطح دهستان می باشد.

- چهارمین مولفه، شاخص ایجاد فرصت های برابر می باشد که از ترکیب ۴ گویه حاصل شده است، با توجه به جدول (۴)، از آنجایی که میزان sig در همه مولفه ها پایین تر از آلفا ۰/۰۵ می باشد، بنابراین بین مولفه ایجاد فرصت های برابر و مولفه های پایداری محیطی-اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی رابطه معناداری وجود دارد.

- پنجمین مولفه اثرگذار، اطمینان، اعتماد و همدلی می باشد که از ترکیب ۱۳ گویه حاصل شده است، نتایج حاصل از آزمون کندال تاووبی نشان داده است که بین مولفه اطمینان، اعتماد و همدلی و پایداری محیطی-اکولوژیک و کالبدی، رابطه معناداری وجود دارد (پایین تر از آلفا ۰/۰۵) ولی از آنجایی که میزان sig در

مولفه های پایداری اقتصادی و اجتماعی، بالاتر از آلفا ۰/۰۵ می باشد، بنابراین بین این مولفه اثرگذار و توسعه یافتگی اقتصادی و اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد که این مساله، نشان از میزان پایین اعتماد و همدلی بین روستاییان و همچنین بین نهادهای محلی و مردم و بی اعتمادی متقابل روستاییان و مسئولین و مدیران نهادها به یکدیگر در امور اقتصادی و اجتماعی روستای خود می باشد و این بی اعتمادی و عدم همدلی بین روستاییان و نهادهای مربوطه، به شکل توسعه نیافتگی در بعد اقتصادی و اجتماعی پدیدار گشته است.

- ششمین مولفه، شاخص احساس تعلق و مسئولیت پذیری اجتماعی می باشد که از ترکیب ۵ گویه به دست آمده است. با توجه به جدول (۴) رابطه معناداری بین مولفه احساس تعلق و مسئولیت پذیری اجتماعی و پایداری اقتصادی، اجتماعی و کالبدی وجود دارد ولی رابطه معناداری بین این مولفه و پایداری محیطی - اکولوژیک به دلیل بالاتر بودن میزان sig از آلفا ۰/۰۵، وجود ندارد. در واقع میزان حس مسئولیت پذیری روستاییان در ارتباط با حفظ و بهبود کیفیت کلی طبیعی روستا و حفظ سبزینگی محیط طبیعی آن در جریان فعالیت ها و برنامه های توسعه ای و عمرانی اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به حدی نبوده است که توسعه یافتگی محیطی - اکولوژیک را به همراه داشته باشد.

- آخرین مولفه اثرگذار، مشارکت می باشد که از ترکیب ۲۰ گویه به دست آمده است. نتایج نشان داده است که بین مولفه مشارکت و پایداری اجتماعی و کالبدی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، در حالیکه بین مولفه مشارکت و پایداری محیطی - اکولوژیک و اقتصادی، رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر میزان مشارکت روستاییان با یکدیگر و با نهادهای محلی و دولتی در سطوح بالاتر و همچنین میزان توجه و اهمیت نهادهای مربوطه به مشارکت و درگیر کردن روستاییان در برنامه های توسعه ای محیطی و اقتصادی در اموری مانند ارتقا و بهبود کیفیت طبیعی روستا و فعالیت های اقتصادی کشاورزی و غیر کشاورزی به حدی نبوده است که زمینه توسعه ابعاد محیطی - اکولوژیک و اقتصادی را فراهم آورد.

جدول ۴: بررسی رابطه بین عامل های ارتقادهنده کیفیت محیط زندگی و توسعه پایدار با استفاده از سنجه پیوند تاوایی کندال

مولفه ها	پایداری محیطی - اکولوژیک		پایداری اقتصادی		پایداری اجتماعی		پایداری کالبدی	
	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
آموزش و اطلاع رسانی	۰/۲۳۱**	۰/۰۰۰	-۰/۱۷۰**	۰/۰۰۰	-۰/۰۲۳	۰/۵۷۸	۰/۰۹۳*	۰/۰۲۵
شناخت و آگاهی	۰/۲۹۸**	۰/۰۰۰	۰/۰۳۴	۰/۴۱۱	-۰/۰۸۷*	۰/۰۳۵	۰/۲۰۱**	۰/۰۰۰
شفافیت	۰/۲۷۹**	۰/۰۰۰	۰/۲۶۶**	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۸	۰/۸۴۲	۰/۰۱۱	۰/۷۸۵
ایجاد فرصت های برابر	۰/۲۷۳**	۰/۰۰۰	-۰/۱۸۷**	۰/۰۰۰	-۰/۱۴۶**	۰/۰۰۱	۰/۰۹۲*	۰/۰۲۸

۰/۰۰۷	۰/۱۱۱**	۰/۶۹۲	-۰/۰۱۶	۰/۷۵۵	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۲۲۰**	اطمینان، اعتماد و همدلی
۰/۰۰۰	۰/۲۵۳**	۰/۰۰۰	۰/۲۵۰**	۰/۰۰۰	۰/۲۳۹**	۰/۱۶۸	-۰/۰۵۸	احساس تعلق و مسئولیت پذیری اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۲۱۴**	۰/۰۰۰	۰/۲۳۱**	۰/۵۱۱	-۰/۰۲۷	۰/۶۳۵	۰/۰۲۰	مشارکت

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۲-۶- ارزیابی نهایی آثار مولفه‌های ارتقادهنده کیفیت محیط زندگی بر توسعه پایدار دهستان دامنگوه:

بعد از اینکه رابطه میان هر یک از تسهیل کننده‌های توانمندسازی روستاییان و توسعه پایدار با استفاده از سنج‌های پیوند، مورد سنجش قرار گرفت، در این قسمت برای تعیین شدت میزان همبستگی و آثار، تعداد ۷ مولفه اثرگذار آموزش و اطلاع رسانی، شناخت و آگاهی، شفافیت، ایجاد فرصت‌های برابر، اطمینان، اعتماد و همدلی، احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت در ارتباط با مولفه توسعه پایدار و میزان توسعه یافتگی روستاهای مورد نظر که رابطه همبستگی معناداری دارند، از طریق رگرسیون چند متغیره مورد تحلیل قرار گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده (جدول ۵) میان مولفه‌های ارتقادهنده کیفیت محیط زندگی و میزان توسعه یافتگی روستاها، به میزان ۰/۵۴۰ همبستگی وجود دارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که ۰/۲۷۵ درصد تغییرات میزان توسعه یافتگی روستاها از طریق ترکیب خطی ۷ مولفه تسهیل کننده توانمندسازی تبیین شده است.

جدول ۵: بررسی تعیین میزان همبستگی بین مولفه‌های تسهیل کننده توانمندسازی روستاییان و ارتقاء کیفیت محیط زندگی و توسعه پایدار با استفاده از آزمون رگرسیون چند متغیره

ضریب همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین R ²	ضریب تعیین تعدیل شده R _{adj}	اشتباه معیار
۰/۵۴۰(a)	۰/۲۹۲	۰/۲۷۵	۳۱/۸۷۹۷۱

a. predictors: آموزش و اطلاع رسانی، شناخت و آگاهی، شفافیت، ایجاد فرصت‌های برابر، اطمینان، اعتماد و همدلی، احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت

همچنین بر اساس مقدار محاسبه شده برای F و همچنین سطح معناداری ۰/۰۰۰، می‌توان گفت که ترکیب خطی مولفه‌های اثرگذار، قادر به تبیین و پیش‌بینی تغییرات مولفه اثرپذیر (سطح توسعه یافتگی و ارتقاء کیفیت محیط زندگی) شده است (جدول ۶).

جدول ۶: معناداری رگرسیون متغیرهای تسهیل کننده توانمندسازی بر ارتقاء کیفیت محیط زندگی و توسعه پایدار (ANOVA)

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی (df)	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۲۰۷۱۳/۶۲۸	۷	۱۷۲۴۴/۸۰۴	۱۶/۹۶۸	۰/۰۰۰(b)
باقیمانده	۲۹۲۶۹/۹۰۹	۲۸۱	۱۰۱۶/۳۱۶		
کل	۴۱۳۴۱۲/۵۳۷	۲۹۵			

a.dependent variable: توسعه پایدار

b.predictors: آموزش و اطلاع رسانی، شناخت و آگاهی، شفافیت، ایجاد فرصت های برابر، اطمینان، اعتماد و همدلی، احساس تعلق و مسئولیت پذیری اجتماعی و مشارکت

در نهایت، بر اساس ضریب استاندارد شده تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، نتایج نشان می دهد که مولفه های اثرپذیر (شناخت و آگاهی، ایجاد فرصت های برابر، اطمینان، اعتماد و همدلی و مشارکت) تاثیر آماری معناداری را بر میزان توسعه یافتگی و ارتقاء کیفیت محیط زندگی روستاییان دهستان دامنگوه دارند در حالیکه مولفه های آموزش و اطلاع رسانی و شفافیت، تاثیر آماری معناداری را بر میزان توسعه یافتگی دهستان دامنگوه ندارند. همچنین از نظر ضریب تاثیر متغیرها بر میزان توسعه یافتگی روستاهای مورد نظر، مولفه شناخت و آگاهی با ضریب تاثیر ۰/۲۷۸ بیشترین میزان اثر را بر توسعه روستاهای دهستان دامنگوه دارد و پس از آن به ترتیب متغیرهای اطمینان، اعتماد و همدلی و همچنین مولفه مشارکت با ضریب تاثیر ۰/۲۲۹ و احساس تعلق و مسئولیت پذیری اجتماعی با ضریب تاثیر ۰/۲۲۲ در میزان توسعه یافتگی روستاهای دهستان دامنگوه اثرگذارند (جدول ۷).

جدول ۷: ضرایب میزان شدت اثرگذاری متغیرهای ارتقادهنده کیفیت محیط زندگی بر توسعه پایدار (Coefficients)

سطح معناداری	t	ضریب استاندارد		مدل
		Beta	Std.Error	
۰/۰۰۰	۵/۰۹۴	۰/۲۷۸	۰/۳۰۵	شناخت و آگاهی
۰/۰۰۰	-۴/۱۷۹	-۰/۲۳۹	۰/۶۳۱	ایجاد فرصت های برابر
۰/۰۰۰	۴/۱۲۷	۰/۲۲۹	۰/۲۷۶	اطمینان، اعتماد و همدلی
۰/۰۰۰	۴/۱۲۸	۰/۲۲۲	۰/۳۵۲	احساس تعلق و مسئولیت پذیری اجتماعی
۰/۰۰۰	۴/۴۱۴	۰/۲۲۹	۰/۲۴۱	مشارکت

a.dependent variable: توسعه پایدار

۷- نتیجه گیری:

از آنجایی که رویکردها و سیاست های نظام برنامه ریزی توسعه روستایی ایران در جهت بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان، بیشتر به رویکردهای مکانیکی و فن محور بدون توجه به وجه نظرات روستاییان و توانمندسازی آنها در ابعاد اطلاع رسانی و آگاهی بخشی، ایجاد فرصت های مشارکتی بیشتر، ایجاد حس مسئولیت پذیری بیشتر در قبال کیفیت محیط زندگی خود گرایش دارد. بنابراین لازم است که بیشتر بر الگوی جدید توسعه (توانمندسازی و ظرفیت سازی روستاییان) و تاثیر آن بر ارتقاء کیفیت محیط زندگی روستاییان در راستای توسعه پایدار پرداخته شود، از این رو، پژوهش حاضر با این نگرش و با هدف سنجش اثرگذاری تسهیل کننده های توانمندسازی روستاییان در بهبود کیفیت محیط زندگی و در نتیجه بر ایجاد پایداری در ابعاد محیطی - اکولوژیک، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در دهستان دامنگوه شهرستان دامغان از دید جامعه نمونه صورت گرفته است. در ارتباط با تحلیل رابطه بین تسهیل کننده های توانمندسازی روستاییان و شاخص های ارتقا کیفیت محیط زندگی در راستای توسعه پایدار، از ۷ شاخص تسهیل کننده توانمندی روستاییان، ۵ مولفه شناخت و آگاهی، ایجاد فرصت های برابر، اطمینان و اعتماد و

همدلی، و مشارکت، تبیین کننده شاخص های کیفیت محیط زندگی و توسعه پایدار در ناحیه مورد مطالعه بوده است و در مقابل، ۲ شاخص آموزش و اطلاع رسانی و شفافیت، در شرایط موجود، تبیین کننده فرآیند توسعه پایدار در ناحیه مورد مطالعه نیستند. این امر در بررسی مولفه ارتقادهنده آموزش و اطلاع رسانی در ارتباط با ابعاد توسعه یافتگی در دهستان، قابل مشاهده است به نحوی که نوع و جهت گیری برنامه های آموزشی ارائه شده در سطح روستا به گونه ای بوده است که تنها اهداف عینی (محیطی-اکولوژیک، اقتصادی و کالبدی) را دنبال می کرده است و از بعد اجتماعی که همان تصورات درونی و ذهنی روستاییان از شرایط و کیفیت محیط زندگی خود می باشد، غافل مانده است. همچنین در بررسی ارتباط دیگر مولفه های ارتقا دهنده کیفیت محیط زندگی و توسعه پایدار در سطح دهستان، می توان به عدم شناخت کافی روستاییان از مباحث اقتصادی در اموری همچون انواع فعالیت های اقتصادی و همچنین عوامل موثر بر افزایش بهره وری فعالیت های کشاورزی و غیر کشاورزی، آگاهی پایین روستاییان از وضعیت تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های نهادهای مسئول در زمینه انواع فعالیت های اقتصادی و ... اشاره کرد که منجر به عدم توسعه یافتگی در بعد اقتصادی و نارضایتی از میزان درآمد، میزان پس انداز و به طور کل عدم رضایتمندی اقتصادی از زندگی روستایی می شود که این امر میتواند ناشی از ضعف نوع و چگونگی برنامه های آموزشی و اطلاع رسانی نیروهای ترویجی در سطح روستا باشد. البته در تحلیل وجود رابطه و شدت میزان همبستگی مولفه های ارتقادهنده کیفیت محیط زندگی و توسعه پایدار، نمی توان تنها به وجوه منفی این روابط در سطح دهستان اشاره کرد، به نوعی که در بررسی رابطه مولفه ایجاد فرصت های برابر و توسعه پایدار، شاهد وجود توسعه یافتگی در چهار بعد محیطی-اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی بوده ایم، به این معنا که توجه به منافع ذینفعان اصلی که همان روستاییان می باشند همچنین وجود فرصت های مشارکتی برابر بین روستاییان از طریق تشکل های جمعی موجود در روستا که از منابع اقتصادی و اجتماعی روستا برخوردار هستند منجر به توسعه یافتگی دهستان در چهار بعد محیطی-اکولوژیک، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شده است. و یا در ارتباط بین مولفه ارتقادهنده حس مسئولیت پذیری روستاییان و توسعه پایدار دهستان، تنها بعدی که وجود رابطه بین این مولفه و سطح توسعه یافتگی در سطح دهستان را نقض کرد، بعد پایداری محیطی-اکولوژیک بوده است، به صورتی که میزان حس مسئولیت پذیری روستاییان در ارتباط با حفظ و بهبود کیفیت کلی طبیعی روستا و حفظ سبزینگی محیط طبیعی آن در جریان فعالیت ها و برنامه های توسعه ای و عمرانی اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به حدی نبوده است که توسعه یافتگی محیطی-اکولوژیک را به همراه داشته باشد. اما در بعضی از مولفه ها، بررسی رابطه و نتایج به صورتی بوده است که وجود رابطه در یک و یا دو بعد از توسعه، محرز و در دیگر ابعاد توسعه، فقدان همبستگی بین مولفه ارتقادهنده کیفیت محیط زندگی و ابعاد توسعه یافتگی در دهستان دیده می شود، به عنوان مثال در مولفه شفافیت و شفاف سازی برنامه های توسعه ای، این شاخص به جهت وجود همبستگی، نتایج مثبتی را با ابعاد توسعه یافتگی محیطی-اکولوژیک و اقتصادی نشان داده است، در عین حال، فقدان همبستگی بین این مولفه و ابعاد توسعه یافتگی اجتماعی و کالبدی در دهستان وجود دارد. علت نبود همبستگی بین این مولفه و ابعاد توسعه یافتگی اجتماعی و کالبدی در منطقه مورد مطالعه ناشی از ارجح بودن فعالیت های کشاورزی و تولیدی به ویژه کشت و تولید محصول پسته و ارتباط بیشتر این عامل با ابعاد محیطی-اکولوژیک و اقتصادی است به نحوی که اکثر برنامه های توسعه ای و تعاملات دولت و روستاییان در جریان شفاف سازی امورات مربوط به تصمیم گیری، برنامه ریزی

و اجراء، مربوط به این دو بعد می باشد، از این رو آنچه که در این روند مغفول مانده است، ابعاد اجتماعی و کالبدی محیط زندگی روستاییان در جریانات تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های برنامه های توسعه ای و شفاف سازی این نوع برنامه ها برای روستاییان از جانب نهادهای مربوطه و متعاقبا دست نیافتن به توسعه اجتماعی و کالبدی در سطح دهستان می باشد. مولفه اطمینان، اعتماد و همدلی از دیگر مولفه هایی بود که مورد سنجش قرار گرفت که یافته ها نشان از پایین بودن میزان اعتماد و همدلی بین روستاییان و همچنین بی اعتمادی متقابل بین مردم و مسئولین و دست اندکاران مربوط به توسعه و عمران روستایی در امور اجتماعی و اقتصادی مربوط به روستای خود می باشد که این امر به شکل توسعه نیافتگی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی منطقه تبلور گشته است و یا در بررسی مولفه ارتقادهنده مشارکت، میزان این شاخص در بین روستاییان و همچنین با نهادهای محلی و دولتی در سطوح بالاتر و میزان توجه و اهمیت نهادهای مربوطه به مشارکت و درگیر کردن روستاییان در برنامه های توسعه ای محیطی-اکولوژیک و اقتصادی در اموری مانند ارتقا و بهبود کیفیت طبیعی روستا و فعالیت های اقتصادی کشاورزی و غیر کشاورزی به حدی نبوده است که زمینه توسعه ابعاد محیطی-اکولوژیک و اقتصادی را فراهم آورد. بنابراین با توجه به نتایج بررسی ضرایب همبستگی و همچنین تاثیر معناداری این مولفه ها بر میزان توسعه یافتگی دهستان دامنکوه، لازم و ضروری است که پیش فرض ها و پیشنهادات ذیل، بیشتر مورد توجه قرار گیرد:

- حرکت در راستای توانمندسازی جامعه محلی و نهادهای مردمی روستایی در فرآیند توسعه با همکاری بخش دولتی و خصوصی
- بسترسازی قانونی و اجتماعی مشارکت حداکثری روستاییان در تمامی مراحل تصمیم گیری و تصمیم سازی امور مربوط به روستایشان و تفویض قدرت موثر اقتصادی-سیاسی به آنها در جهت جلب اعتماد جامعه محلی.
- تقویت آموزش و توسعه منابع انسانی برای وصول به یک جامعه روستایی با افراد آگاه، دانا، خلاق و انعطاف پذیر که با رویکردی مشارکتی و در همکاری با بخش های دولتی و خصوصی، تصمیم گیرنده، اجرا کننده و استفاده کننده موثر باشند.
- ارتقاء عرصه های شناختی و مهارتی روستاییان از طریق تقویت منابع آموزشی و نظام مطلوب ترویج و اطلاع رسانی
- تقویت مسئولیت پذیری و پاسخگویی کارآمد و موثر از طریق بسط دموکراسی مشارکت جویانه
- اطلاع رسانی و شفاف سازی برنامه های توسعه ای و عمرانی تدوین شده از جانب نهادهای متولی برای روستاییان و تهیه، تحقق و اجرای آن در جهت اهداف و خواست مردم محلی.
- ایجاد اعتماد و انسجام بین جامعه محلی و بخش های خصوصی و دولتی در راستای تحقق هر چه بهتر سیاست های افزایش کیفیت زندگی در مناطق روستایی.

منابع و ماخذ:

۱. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، عظیمی آملی، جلال. پورطاهری، مهدی. احمدی پور، زهرا، ۱۳۹۱، ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران، ژئوپلتیک، سال هشتم، شماره دوم، صص ۲۸-۱.

۲. حیدری ساریان، وکیل، ۱۳۹۱، توانمندسازی، گامی اساسی در جهت نیل به توسعه روستایی، مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر، تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷، شماره ۳، صص: ۱۸۸-۱۶۹.
۳. سجادی، ژیلایفرجی، ملائی، امین، عظیمی، آزاده، ۱۳۹۱، تحلیل کیفیت زندگی در یک محیط روستا-شهری (مورد پژوهی: شهر سگز آباد)، مدیریت شهری، شماره ۳۰، صص ۲۸۲-۲۶۵.
۴. فاضل نیا، غریب، رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، ۱۳۸۴، تبیین نظریه ای عوامل موثر بر شناخت و آگاهی روستاییان از توانش های خود و محیط پیرامون، مدرس علوم انسانی، شماره ۱، صص ۱۵۰-۱۱۱.
۵. میرزایی، حسین. غفاری، غلامرضا و کریمی، علیرضا، ۱۳۸۹، توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینه ای موثر بر آن (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قروه)، پژوهش های روستایی، شماره ۴، صص ۱۲۸-۹۹.

1. Abdul Mohit, M., 2014, Present Trends and Future Directions of Quality of life, Social and Behavioral Sciences, pp:655-665.
2. Ching, F., 2010, Architectur: Form, Space and Order, Translated by Gharagozlou, Z. Tehran: University of Tehran Press, p:464.
3. Costanza, R., 2007, Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being, Ecological Economics, 61(1-2), 267-276.
4. Cherayi, SH., Jose, J.P., 2016, Empowerment and Social inclusion of Muslim Women: Towards a new conceptual model, Rural studies, Vol.45, pp.243-251.
5. Chen, Z., Li, L., Li, T., 2016, The organizational evolution, systematic construction and empowerment of Langde Miao s community tourism, Tourism Management, pp.1-10.
6. Epley, D., Menon, M., 2008, A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life, Soc Indic Res, 88:281-29.
7. Fahy, f., Cinneide, M.O., 2008, Developing and testing an operational framework for assessing quality of life, Environmental Impact Assessment Review , pp:366-379.
8. Janssens, W., 2010, Womens empowerment and Creation of Social Capital in Indian Villages, WWW.elsevier.com, world Development, Vol.38, No.7, pp:974-988.
9. Johavsen, P., Heike, L., Chandler, T., 2015, Mechanisms of power in participatory rural planning, rural studies, Vol.40, pp:12-20.
10. Lopez, M., Pastor, R., 2015, Development in rural Through capacity building and education for business, Social and Behavioral sciences, pp:1882-1888.
11. Mahmud, S., Shah, N. M., Becker, S., 2011, Measurement of Womens empowerment in rural Bangladesh, WWW.elsevier.com, World Development, Vol.40, No.3, pp: 610-619
12. Marans, R., 2015, Quality of urban life & environmental sustainability studies: Future linkage opportunities, Habitat International, pp:47-52.
13. Marans, R., 2012, Quality of urban life Studies: An Overview and Implications for Environment-Behaviour Research, Social and Behavioral Sciences, pp:9-22.
14. Monkman, K., Miles, R., Easton, P., 2007, The transformatory potential of a village empowerment program: The Tostan replication in Mali, Womens studies International forum, Vol.30, pp.451-464,
15. Mackinnon, D., 2002, Rural governance and local involvement: assessing state community relations in the Scottish Highlands, Rural studies, Vol.18, pp.307-324.
16. Pacione, M., 2003, Urban environmental quality and human wellbeing, a social geographical perspective, landscape and urban planning, pp:19-30
17. Pykh, G. Malkina., Pykh, Yuri. A., 2008, Quality of life indicators at different scales: Theoretical background, Ecological indicators, pp: 854-862.
18. Pissourios, I.A., 2013, An interdisciplinary study on indicators: A comparative review of quality of life, macroeconomic, environmental, welfare and sustainability indicators, Ecological indicators, Vol.34, pp.420-427.
19. Quaghebeur, K., Masschelein, J and Nguyen, N., 2004, Paradox of participation: Giving or taking part? Community and Applied Social Psychology, PP 154-165.

20. Rahman, T., Mittelhammer, R.C., Wandschneider, P.R., 2011, Measuring quality of life across countries: A multiple indicators and multiple causes approach, Socio-economics, Vol.40, pp.43-52.
21. Madsen Smith, C., 2008, Enhancing Self-care Ability and Quality of Life among Rural dwelling Thai Elders with Type 2 Diabetes through a Self-help Group: A Participatory Action Research Approach, pp:70-76.
22. Wilkinson, R and Pickett, K., 2009, The spirit Level: Why Greater Equality Makes Societies Stronger. New York: Bloomsbury Press, p:400.
23. Wang, B., Li, X., Stanton, B., Fang, X., 2010, The influence of social stigma and discriminatory experience on psychological distress and quality of life among rural-to-urban migrants in China, Social Science & Medicine, pp:84-92.
24. Zhao, J., Li, Y., Wu, Y., Zhou, J., Ba, L., Gu, X., Wang, W., Yao, H., Ren, N., Chen, J., Xu, L., 2009, Impact of different contraceptive methods on quality of life in rural women of the Jiangsu province in China contraception, PP:180-186.



Measuring of villagers empowerment facilitator to improve the quality of life With Sustainable Development Approach (Case study: Damankooh District, Damghan city)

Naser shafie sabet^{*۱}, Mahnaz Rahbari^۲

¹Assistant Professor of Department of Geography, Shahid Beheshti university, Tehran, Iran, .

^۲PhD student in Geography and Rural Planning, Shahid Beheshti university, Tehran, Iran.

received the article: 2019/04/16

accepted of the article: 2019/06/06

Abstract

The aim of this study evaluating promoting factors that of quality of life (with an emphasizing on empowering mechanism) and it's impact on sustainable development in the Damankooh district of Damghan city. This research was conducted by using descriptive - analytical method and by using the survey method in the form of 7 factors affecting on promoting the quality of life and 4 impressionable components of sustainable development. the results of regression showed that impressionable components (cognition and awareness, creating equal opportunities, Assurance, trust and empathy and participation), have as significant statistical influence on the sustainable development. Moving towards empowering of local community and rural people's institutions, The creation of legal and social contexts for the maximum participation of villagers, Strengthen of education and human resource development, Improving the cognitive and skill areas of the villagers And strengthening effective and accountable accountability is Among the suggestions of this research.

key words: Empowerment, quality of life, sustainable development, Damankooh District, Damghan

* (Corresponding Author): nshsabet@yahoo.com